



Gender Generalizability of Reintegrative Shaming Theory in Explaining Deviant Behaviors

Paria Ansari¹ | Akbar Aliverdinia²

1. Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

E-mail: p.ansari03@umail.umz.ac.ir

2. Corresponding Author, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

E-mail: aliverdinia@umz.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 06 May 2024

Received in revised form: 05
September 2024

Accepted: 29 October 2024

Published online: 10
December 2024

Keywords:

Gender, Deviant Behavior,
Reintegrative Shaming,
Gender Generalizability.

ABSTRACT

The reduction of the gender gap in deviant behaviors has recently attracted a lot of attention. Therefore, the current article aims to test the validity of Braithwaite's assertion that this theory is not gender neutral and its potential to be generalized to both genders.

The present study is divided into two sections. First, the library method was employed to analyze the theoretical issues; second, the survey technique was employed to evaluate the results. The multi-stage cluster sampling method was employed to gather the questionnaire from 831 students at five public universities in Tehran. The method involved clustering universities based on majors, selecting universities based on the number of students, and selecting universities based on gender.

The regression coefficients of independent variables and students' deviant behavior for both sexes indicate that the regression model of girls encompassed only four variables: adherence to moral values, deviant friends, stigmatization, and shame displacement. These variables were capable of accounting for 39% of the variance in the variable of girls' deviant behavior. Additionally, the linear regression model of males has been supplemented with five variables: shame internalization, deviant friends, stigmatization, reintegration, and adherence to moral values. These variables have the capacity to explain 40% of the variance in their deviant behavior.

In general, reintegrative shaming theory has the ability to generalize to the deviant behaviors of female students. Braithwaite's assertion regarding the theory's ability to generalize gender was not an ambitious assumption, and the theory has the capacity to generalize to both sexes.

Cite this article: Ansari, A. & Aliverdinia, A. (2024). Gender Generalizability of Reintegrative Shaming Theory in Explaining Deviant Behaviors, *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 13(4): 551-574.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2024.381406.1533>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.381406.1533>



تعمیم‌پذیری جنسیتی نظریه شرمساری بازپذیرنده در تبیین رفتارهای انحرافی

پریا انصاری^۱ | اکبر علیوردی‌نیا^۲۱. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. رایانامه: p.ansari03@umail.umz.ac.ir۲. نویسنده مسئول، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. رایانامه: aliverdinia@umz.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	کاهش شکاف جنسیتی در رفتارهای انحرافی اخیراً نگاه‌های زیادی را به خود جلب کرده است. مقاله حاضر در نظر دارد تا صحت ادعای بریت‌ویت مبنی بر خنثی‌نبودن از جنسیت نظریه شرمساری بازپذیرنده و توانایی تعمیم‌پذیری آن به هردو جنس را به محک آزمون تجربی درآورد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۴	مطالعه حاضر در دو بخش طراحی شده است. نخست مباحث نظری با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای مطالعه و سپس با بهره‌گیری از تکنیک پیمایش آزمون می‌شود. در این مسیر از ۸۳۱ نفر از دانشجویان پنج دانشگاه دولتی در شهر تهران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای (خوشه‌بندی دانشگاه‌ها برحسب رشته، انتخاب دانشگاه متناسب با تعداد دانشجو و در دانشگاه متناسب با جنسیت) پرسشنامه گردآوری شده است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۷/۲۸	ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل و رفتار انحرافی دانشجویان به تفکیک دو جنس گویای آن‌اند که تنها چهار متغیر پایبندی به ارزش‌های اخلاقی، دوستان منحرف، انگ‌زنی و جابه‌جایی شرم به مدل رگرسیونی دختران وارد شده‌اند و توانسته‌اند ۳۹ درصد تغییرات واریانس متغیر رفتار انحرافی دختران را تبیین کنند. همچنین پنج متغیر پایبندی به ارزش‌های اخلاقی، درونی‌سازی شرم، دوستان منحرف، انگ‌زنی و بازپذیری به مدل رگرسیون خطی پسران راه یافته‌اند که قابلیت تبیین ۴۰ درصد از تغییرات واریانس رفتار انحرافی آنان را فراهم آورده‌اند.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۱۵	در مجموع نظریه شرمساری بازپذیرنده از قابلیت تعمیم به رفتارهای انحرافی دختران دانشجو نیز برخوردار است و ادعای بریت‌ویت در خصوص توان این نظریه در تعمیم‌پذیری جنسیتی گمان‌جابه‌طلبانه‌ای نیست و نظریه قابلیت تعمیم به هردو جنس را دارد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۹/۲۰	
کلیدواژه‌ها:	
تعمیم‌پذیری جنسیتی، جنسیت، رفتار انحرافی، شرمساری بازپذیرنده.	

استناد: انصاری، پریا و علیوردی‌نیا، اکبر (۱۴۰۳). تعمیم‌پذیری جنسیتی نظریه شرمساری بازپذیرنده در تبیین رفتارهای انحرافی، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

در ایران، ۱۳(۴): ۵۵۱-۵۷۴. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.381406.1533>DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.381406.1533>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

۱. مقدمه و بیان مسئله

جنسیت یکی از قوی‌ترین و پرکاربردترین پیش‌بینی‌کننده‌های بزهکاری و رفتار خشونت‌آمیز است (علی‌پوردی‌نیا و فهیمی، ۱۳۹۳: ۱۶۶). فهم الگوی مشارکت جنسیتی و چگونگی شکاف جنسیتی در رفتارهای انحرافی از اهمیت زیادی در میان جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان برخوردار است؛ تا جایی که آنان (مک‌کارتی، هاگن و وودوارد^۱، ۱۹۹۹؛ هگن، مک‌کارتی و فاستر^۲، ۲۰۰۲؛ نوفزیگر^۳، ۲۰۱۰؛ دی‌کوستر^۴، ۲۰۱۲ به نقل از دالیور و راکر^۵، ۲۰۱۸: ۱۵۵۲) گنجاندن این سازه در تحقیقات خود را ضروری دیده‌اند و در این مسیر گام برداشته‌اند.

با این حال توجه به این سازه در مطالعات اجتماعی، بحثی چالش‌برانگیز است و مستلزم آن است که مرز میان «جنس» و «جنسیت» شفاف شود. بر این اساس، مطالعات جنسیتی جرم‌شناسی، بر تمایز بین جنس زیستی و هویت‌های جنسیتی برساختی اتفاق نظر دارند (دالیور و راکر، ۲۰۱۸: ۱۵۵۲)؛ چرا که نگاه از دریچه مفهوم جنس، با ارائه برداشتی زیستی، مسیر هرگونه تبیین اجتماعی را مسدود می‌سازد؛ درحالی که تمسک به مفهوم جنسیت به‌عنوان سازه‌ای اجتماعی و برساختی، قابلیت چشمگیری برای ارائه تبیین‌های اجتماعی فراهم می‌آورد.

تبیین جنسیتی علی‌رغم اهمیت آن مورد توجه جرم‌شناسان نبود. در مطالعات گذشته بسیاری از جرم‌شناسان انتقادی با تکیه بر تجزیه و تحلیل مارکسیستی جامعه سرمایه‌داری نسبت به جنسیت ناپیدا بودند (دکسردی^۶، ۲۰۲۱: ۲۷). در واقع یکی از کاستی‌های عمده جرم‌شناسی نادیده‌گرفتن زنان از زمینه مطالعاتی بود. تمایل به نادیده‌انگاشتن زنان در مطالعات پیشگام در حوزه جرم‌شناسی نمود دارد. کلوارد و اوهلین^۷ (۱۹۶۰) اذعان می‌کنند که زنان در باندهای تبهکاری عضویت دارند، اما از آنجا که اعضای زن به‌تنهایی یک تهدید واقعی نبودند، از بررسی بیشتر در کار نظری آنان حذف شدند. همچنین هیرشی^۸ (۱۹۶۹) در نظریه کنترل اجتماعی، عنوان کرد «در تحلیل... زنان ناپدید می‌شوند». بدین ترتیب نظریه‌پردازان، کمتر به «بی‌اخلاقی» مجرمان زن توجه دارند (براون، اسبنسن و گیس^۹، ۲۰۱۵: ۱۲۱). اساساً دیدگاه‌های اولیه در خصوص بزهکاری زنان، «نگرشی کاملاً غیرانتقادی به کلیشه‌های جنسیتی» اتخاذ کرده‌اند (هاجسون^{۱۰}، ۲۰۲۲: ۳)؛ بنابراین به‌طور سنتی، نظریه‌های جرم عمدتاً به نمونه‌های مرد و رفتارهای مردان محدود می‌شده است و مغفول‌ماندن نظریه‌پردازی و تبیین انحرافات اجتماعی زنان سبب ضعف در ارائه دلالت‌های سیاستی و راهکارهای کنترل اجتماعی برای این گروه شده است. بدین ترتیب براون اسبنسن و گیس (۲۰۱۵: ۱۲۱-۱۲۲) معتقدند نظریه‌های جرم‌شناسی عمده تعمیم‌ناپذیری به زنان را در پیش گرفته‌اند و بنابراین درک ما از توزیع جرم براساس جنسیت مغرضانه است.

در حوزه‌های جامعه‌شناسی انحرافات و جرم‌شناسی، یافتن نظریه‌ای که قابلیت تعمیم به هر دو جنس را داشته باشد، اهمیت فراوانی دارد. از آنجا که نظریه شرمساری بازپذیرنده از جنسیت خنثی نیست، چنین داعیه‌ای دارد. اساساً توجه به تبیین و تعمیم‌پذیری

1. McCarthy, Hagan, & Woodward
2. Hagan, McCarthy, & Foster
3. Nofziger
4. De Coster
5. Dolliver & Rocker
6. DeKeseredy
7. Cloward & Ohlin
8. Hirschi
9. Brown, Esbensen, & Geis
10. Hodgson

جنسیتی یکی از قوت‌های این نظریه در مقایسه با سایر نظریه‌ها است و بریثویت آن را به‌عنوان نظریه‌ای توصیف می‌کند که «تبیینی از رابطه جرم-جنسیت را شامل می‌شود» (بنت^۱، ۱۹۹۷: ۱۷). نظریه شرمساری بازپذیرنده به‌واسطه ریشه‌های فکری‌اش نگاهی فمینیستی، بر ساخت‌گرایانه و تعامل‌گرا به جنسیت و جرم دارد.

گزاره‌های بنیادین این نظریه بر عنصری از قبیل شرمساری اشاره دارند و آن را مفهومی متأثر از جنسیت می‌دانند. بر این مبنا پیوندی عمیق میان جنسیت، شرمساری و به‌تبع آن کنترل اجتماعی را به تصویر می‌کشند. امروزه علی‌رغم اهمیت درک تعمیم‌پذیری جنسیتی، نظریاتی مانند نظریه شرمساری بازپذیرنده کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و نه‌تنها در ایران که در سپهر مطالعاتی سایر کشورها نیز کمتر بر جنبه جنسیتی این نظریه و ادعای آن در باب تعمیم‌پذیری جنسیتی توجه شده است؛ بنابراین مطالعه حاضر داعیه تعمیم‌پذیری جنسیتی نظریه مذکور را به‌لحاظ تجربی به محک آزمون درمی‌آورد.

دانشجویان به‌عنوان قشری تحصیل‌کرده، گروهی مرجع و تأثیرگذار برای دیگر قشرهای هر جامعه‌ای قلمداد می‌شوند و بروز آسیب‌های اجتماعی در میان آنان ولو اندک، تبعات جبران‌ناپذیری دارد؛ چرا که ورود به دانشگاه نقطه عطفی است که تا حدودی به استقلال بیشتر و کاهش کنترل‌های خانواده منجر می‌شود و راه بروز رفتارهای انحرافی را بیش از پیش باز می‌کند. تحقیقات خارجی نشان‌دهنده افزایش رفتارهای انحرافی دانشجویان در سال‌های اخیر است (اتین و همکاران^۲، ۲۰۲۱: ۱۵۷)، دانشجویان ایرانی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. مقایسه ارزیابی شیوع رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۴ عموماً حاکی از بدتر شدن وضعیت این رفتارها است. در جامعه دانشجویی، تقلب کردن در تکالیف و امتحانات و مصرف سیگار شیوع زیاد و انحرافات جنسی و اخلاقی شیوع متوسط دارند. ارزیابی روابط جنسی خارج از ازدواج، مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی نشان از افزایش نسبی و شدیدی دارد (صدیقیان بیدگلی و لشگری، ۱۳۹۶: ۱۲۱). بدین ترتیب تبیین رفتارهای انحرافی دانشجویان با استفاده از این نظریه که با بافت اجتماعی جامعه همخوانی دارد و مدعی تبیین انحرافات در هر دو جنس است، ضروری می‌نماید. به این ترتیب مقاله حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که آیا نظریه شرمساری بازپذیرنده، قابلیت تعمیم‌پذیری جنسیتی دارد و آیا تفاوتی در قدرت تبیین این نظریه در میان دانشجویان دختر و پسر مورد بررسی به چشم می‌خورد.

۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر کاهش شکاف جنسیتی در انحرافات اجتماعی، بررسی‌های تجربی بیشتری را مطالبه کرده است. مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد جنسیت به‌عنوان سازه‌ای بنیادین در سپهر مطالعاتی تبیین جنسیتی انحرافات اجتماعی مکرراً عنوان شده است. بدین ترتیب مقاله حاضر ضمن اشاره به مطالعات انحرافات اجتماعی بر مبنای رویکرد عام جنسیتی، تمرکز خود را بر مطالعات انحرافات اجتماعی مبتنی بر نظریه شرمساری بازپذیرنده قرار می‌دهد.

اغلب مطالعات مربوط به نقش جنسیت در رفتارهای انحرافی از منظر عام، شکاف جنسیتی در ارتکاب رفتارهای انحرافی را به مفهوم اجتماعی شدن مرتبط دانسته‌اند. در این راستا بکر و اولستاد^۳ (۲۰۰۷: ۷۸) که ضمن پیمایشی رفتار انحرافی ۵۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا را از منظری جنسیتی بررسی کرده‌اند، معتقدند که در دستیابی به نتیجه مطلوب، زنان رفتارهای کمتر

1. Bennett

2. Eteng et al.

3. Becker & Ulstad

اخلاقی را به دلیل توجه به نظر دیگران مهم و کسب تأیید آنان نمی‌پذیرند. همچنین بیتتون، کید و مکین^۱ (۲۰۱۸: ۲۷۵) با انجام مطالعه‌ای بر مبنای داده‌های ثانویه در کوئینزلند استرالیا الگوهای همگرایی جنسیتی را برای درک نیروهای نقش‌آفرین در ارتکاب جرائم بررسی و اذعان کردند که همگرایی جنسیتی در جرائم روند نزولی جرائم مردان بوده است.

به علاوه، برخی از مطالعات جنسیتی رفتارهای انحرافی از منظر عام، جنسیت را به مثابه هویت جنسیتی در نظر گرفته‌اند. دالیور و راکر (۲۰۱۸: ۱۵۵۲) در پیمایش ۱۴۵۷ دانشجوی دانشگاهی در شمال غرب ایالات متحده بر این باورند که در مطالعات جنسیتی، جنسیت به جای سازه هویت جنسیتی قرار گرفته است. آنان دریافتند هویت جنسیتی در بررسی انحرافات توان تبیینی بیشتری از جنسیت زیستی دارد. هرچند برخی از مطالعات جنسیتی رفتارهای انحرافی مانند مطالعه بونی فیس و بکام^۲ (۲۰۲۱) نیز وجود دارند که در پیمایش ۱۵۲۴ نفر از دانشجویان نیجریه‌ای، با رد وجود تفاوت‌های جنسیتی در ارتکاب رفتارهای انحرافی، قائل به اعمال سیاست‌های کنترلی یکسان برای هر دو جنس هستند.

مطالعات مبتنی بر نظریه شرمساری بازپذیرنده بر نقش‌آفرینی جنسیتی احساسات اخلاقی نظیر شرمساری در کنترل رفتارهای انحرافی تأکید دارند. اسونسون^۳ (۲۰۰۴) با انجام پیمایشی روی ۹۷۹ نفر در کالج ملی پلیس استکهلم، شرم را به عنوان پیامد روابط والدین و فرزندان در مطالعه تفاوت جنسیتی در بزهکاری نوجوان لحاظ کرد و بر وجود تفاوت جنسیتی صحنه گذاشت و پیوند بیشتر دختران با والدین، کنترل اجتماعی بیشتر روی آنان و تجربه بیشتر شرم را از عوامل تفاوت‌ها معرفی کرد.

ربلون و همکاران^۴ (۲۰۱۰) نیز «شرمساری مورد انتظار و تخلف مجرمانه» را در پیمایشی روی ۴۳۹ دانشجو در دو دانشگاه شرقی ایالات متحده بررسی کردند. آنان دریافتند زنان انتظار شرم بیشتری دارند. به علاوه، مطالعه استوویگ و همکاران^۵ (۲۰۱۰) نیز در پیمایشی از ۲۵۰ دانشجو به نقش احساسات اخلاقی در کنترل اجتماعی توجه نشان دادند. در همین راستا، اسونسون و همکاران (۲۰۱۳) در پیمایشی از ۸۴۳ نفر از نوجوانان نیدرلند اذعان کردند که جنسیت به صورت معناداری با تخلفات بیشتر در ارتباط است.

برخی از مطالعات با نگاه از دریچه راهبرد فرهنگی به تبیین جنسیتی نظریه شرمساری بازپذیرنده پرداخته‌اند. در این مطالعات، تنظیمات فرهنگی از قبیل فرهنگ پدرسالاری بر شرمسار کردن و ایجاد مرزهای پررنگ شکاف جنسیتی به واسطه القای هویت‌های جنسیتی در رفتارها انحرافی اهمیت می‌یابند. شایبل و هاگز^۶ (۲۰۱۱) در تحلیلی ثانویه روی داده‌های پیمایشی از ۴۶ کشور اروپایی با تکیه بر بعد فرهنگی نظریه به تبیین شکاف جنسیتی پرداختند. نتایج این مطالعه که بر مبنای عوامل جنسیتی فرهنگ بنا شد، شاخص‌های تنظیمات پدرسالارانه در به هم پیوستگی و شرم، شکاف جنسیتی را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که شدت به هم پیوستگی که اغلب در زنان پررنگ‌تر است، در بستر این نوع فرهنگ به کاهش رفتارهای انحرافی منجر می‌شود.

در مطالعات اخیرتر نیز فیتچ و نازارتیان^۷ (۲۰۱۹) در مطالعه خود نظریه شرمساری را با استفاده از موج‌های ششم و هفتم داده‌های پیمایش ملی جوانان، در یک نمونه احتمالی از بزرگسالان (۱۲۲۷ نفر) به محک آزمون تجربی درآوردند؛ شرمسار شدن توسط دیگران مهم را امری جنسیتی معرفی کردند و معتقدند تمایل به هم‌نواپی در زنان بیش از مردان است و در این خصوص پذیرش شرم متغیری واسط

1. Beatton, Kidd, & Machin
2. Boniface & Bekom
3. Svensson
4. Rebellon et al.
5. Stuewig et al.
6. Schaible & Hughes
7. Fitch & Nazaretian

است. در این راستا، ایوینز^۱ (۲۰۲۲) نیز مسئله جنسیت را به واسطه قوم‌نگاری و مصاحبه با ۱۰۲ نفر از زندانیان در پنج زندان در ولز و انگلستان در کانون توجه مطالعه خود قرار داده است. وی چگونگی تأثیر جنسیت بر تجربه شرمساری را براساس نوع دیگرانی که مجرمان به آن‌ها وابسته هستند، نشان می‌دهد و معتقد است زنان به‌هم‌پیوستگی بیشتری دارند و در نتیجه مستعد شرمساری بازپذیرنده هستند. مرور پیشینه خارجی به‌طور کلی گواه آن است که موضوع تبیین جنسیتی نظریه شرمساری بازپذیرنده، حجم کمتری از بدنه مطالعات شکل‌گرفته پیرامون این نظریه را نشان می‌دهد. اما در مواردی که جنسیت به‌صورت خاص در بطن این نظریه به محک سنجش درآمده، اغلب تحت تأثیر ویژگی‌های فرهنگ‌های شرقی اجتماع‌محور و پدرسالار است؛ بنابراین بسیار مهم است که به‌واسطه مرور مطالعات داخلی دریابیم که آیا تبیین و تعمیم‌پذیری جنسیتی نظریه شرمساری بازپذیرنده در ایران که ملغمه‌ای از فرهنگ اجتماع‌محور و فردگرا است، قابل‌پیگیری است. با نگاهی به سپهر مطالعاتی نظریه شرمساری بازپذیرنده در ایران می‌توان به‌صراحت اعلام کرد که تعمیم‌پذیری جنسیتی در مطالعات داخلی با غفلت مواجه شده است. علی‌رغم اینکه نظریه به جنسیت حساس است، مطالعات داخلی (غلامی، ۱۳۸۷؛ علیوردی‌نیا و حسنی، ۱۳۹۴؛ ابراهیمی، کلاتری و صفری کاکرودی، ۱۳۹۷) که اغلب نقش شرمساری را در کنترل جرائم و رفتارهای انحرافی بررسی کرده‌اند، اگرچه هردو جنس را در مطالعات خود گنجانده‌اند، در پی بررسی تعمیم‌پذیری جنسیتی برنیامده‌اند. مطالعات داخلی اندکی که درباره نظریه مذکور صورت پذیرفته‌اند (علیوردی‌نیا و انصاری، ۱۳۹۸؛ زنداقتی، قربان‌زاده و گرایلی، ۱۳۹۸؛ عزیزی ارشد و همکاران، ۱۳۹۹؛ عطاشنه و کیایی، ۱۳۹۹؛ حاجی ده‌آبادی و کریمی، ۱۴۰۰؛ عزیززاده، ۱۴۰۰؛ باقری قوام‌آبادی، ۱۴۰۰) بیشتر بر وجه حقوقی و فقهی عدالت ترمیمی به‌عنوان یکی از دلالت‌های سیاستی نظریه شرمساری بازپذیرنده تمرکز داشته‌اند و قدرت این نظریه برای تبیین اهمیت مباحث فرهنگی-اجتماعی و تعمیم‌پذیری جنسیتی را در پیشگیری از جرائم و آسیب‌ها مطالعه نکرده‌اند. بدین ترتیب مقاله حاضر در نظر دارد تا این حفره مطالعاتی را پوشش دهد و گامی در جهت تقلیل کاستی‌های مطالعاتی در حوزه جنسیتی نظریه مذکور باشد.

۳. چارچوب نظری

چوی و همکاران^۲ (۲۰۱۷: ۴۶۶) معتقدند توضیحات غالب برای شکاف جنسیتی براساس حداقل چهار نظریه جرم‌شناسی-نظریه‌های کنترل اجتماعی^۳، پیوند افتراقی^۴، فشار^۵ و شرمساری بازپذیرنده، از دیدگاه اجتماعی نشئت گرفته است. این نظریات آبشخور نظریه شرمساری بازپذیرنده هستند که بسیاری از مؤلفه‌هایش در این نظریات ریشه دارند. می‌توان از مفهوم کنترل اجتماعی با هدف افزایش درک ویژگی‌های جنسیتی مرتبط با مدیریت هنجارها و روابط برای بازتولید نظم اجتماعی استفاده کرد. این باور وجود دارد که کنترل اجتماعی زمانی مؤثر است که کلیشه‌های جنسیتی از طریق اجتماعی‌شدن تداوم یابند (لیندزی^۶، ۲۰۲۰: ۹۹). مطالعات نشان داده‌اند که چگونه زنان تحت کنترل متفاوت و حتی شدیدتری نسبت به مردان قرار دارند (هانکاتوکیا و کسکینن^۷، ۲۰۱۸: ۱۴۷) که سبب می‌شود نه‌تنها به نظم اخلاقی بیشتری سوق یابند، بلکه از فرصت انجام رفتارهای انحرافی‌شان کاسته شود. با این حال امروزه سازوکار کنترل اجتماعی در جوامع دستخوش تحول شده است.

1. Ivins
2. Choy et al.
3. Social control theory
4. Differential association theory
5. Strain theory
6. Lindsey
7. Honkatukia & Keskinen

کنترل اعمال شده توسط خانواده به‌طور سنتی بر نظارت بر دختران جوان متمرکز بوده است. اما امروزه کاهش کنترل غیررسمی فرصت‌های بیشتری را برای دختران فراهم می‌کند تا در جرم شرکت کنند (استرادا، بکمن و نیلسون^۱، ۲۰۱۶: ۱۲۷۴). بنا بر این عقیده، با گسترش تحصیلات زنان و افزایش زنان شاغل، همگرایی بیشتر اجتماعی شدن دختران و پسران و کاهش تمایل نسبت به کنترل بیشتر دختران و میل به برابری، نشانه‌هایی از ورود زنان به جرم و کاهش شکاف جنسیتی در رفتارهای انحرافی نمایان شده است. همچنین مباحث کنترل اجتماعی ضمن اشاره به تأثیر دیگران مهم و کنترل غیررسمی، متغیری مانند به‌هم‌پیوستگی را که از اجزای اصلی نظریه شرمساری بازپذیرنده است، به ارمغان می‌آورد.

به‌علاوه، بحث جنسیت در نظریه پیوند افتراقی، در ابتدا مانند بسیاری از نظریه‌های قرن بیستم غایب بود (ملیکت^۲، ۲۰۲۲: ۱۷۸). اما سیلورمن و کالدول^۳ (۲۰۰۸) دریافتند نگرش همسالان بیشترین تأثیر را بر رفتار دختران جوان دارد. شدت و کثرت رابطه با همسالان عاملی کلیدی است و زمان، بیشترین نقش را برای دختران ایفا می‌کند (همان). براین اساس نظریه پیوند افتراقی با در نظر داشتن همسالان به‌عنوان یکی از مجاری و نیروهای یادگیری اجتماعی، به تبیین جنسیتی چنین کنش‌هایی می‌پردازد و رابطه با دوستان منحرف را که از متغیرهای برجسته نظریه شرمساری بازپذیرنده است، بنیان می‌نهد.

در راستای تبیین جنسیتی، اگنیو^۴ با تکمیل نظریه فشار عمومی موفق به تبیین چگونگی تأثیر فشار بر رفتارهای بزهکارانه دختران و پسران شد. برودی و اگنیو^۵ (۱۹۹۷) در نظریه جنسیتی فشار عمومی^۶، سه فرضیه جنسیتی را در چارچوب نظریه فشار عمومی عنوان کردند. نخست، زنان و مردان انواع مختلفی از فشار را تجربه می‌کنند. دوم، زنان و مردان با احساسات متفاوت به فشار پاسخ می‌دهند. در نهایت، مردان احتمالاً از طریق جرم با فشار و احساسات منفی کنار بیایند. آنان به احتمال بیشتر همسالان منحرفی دارند که باورها و رفتارهای انحرافی را تقویت می‌کنند. با این حال، زنان خود را به‌خاطر تجارب منفی سرزنش می‌کنند. علاوه‌براین، زنان سطوح بالاتری از خودکنترلی دارند که احتمال برخورد مجرمانه آن‌ها را کاهش می‌دهد (ایسوم اسکات و میکل^۷، ۲۰۱۹: ۳۹۴)؛ بنابراین به‌زعم نظریه جنسیتی فشار عمومی، تفاوت جنسیتی در منابع، تجربه و واکنش به فشار به‌عنوان عاملی بااهمیت برای تبیین جنسیتی انحرافات اجتماعی معرفی شده است. نهایتاً نظریه شرمساری بازپذیرنده با به‌خدمت‌گرفتن اجزایی از تبیین‌های جنسیتی این نظریات، به بحث تبیین و تعمیم‌پذیری جنسیتی پرداخته است.

جان کلام تبیین جنسیتی نظریه بریث‌ویت آن است که زنان احتمالاً بیشتر مستعد تأثیر شرمساری هستند. اساساً احساس گناه یا پشیمانی زنان با نگرانی شدید درمورد نظرات دیگران مرتبط است. ادبیات جرم‌شناسی نشان می‌دهد زنان ممکن است به‌دلیل ارزیابی‌های منعکس‌شونده، اجتماعی‌شدن و نقش‌های جنسیتی، با تأثیر دیگران مهم از ارتکاب جرم بازداشته شوند. تبیین‌های جنسیتی نظریه شرمساری بازپذیرنده، اهمیت شرم درونی‌شده^۸ و ادراک دیگران^۹ را برجسته می‌کنند که نشان می‌دهد زنان براساس واکنش‌ها و برداشت‌های دیگران مهم بیشتر احساس شرم می‌کنند؛ بنابراین اهمیت شرمساری باید بخشی از بحث درمورد وضعیت

1. Estrada, Bäckman, & Nilsson
2. Mallicoat
3. Silverman & Caldwell
4. Agnew
5. Broidy & Agnew
6. Gendered general strain theory (GGST)
7. Isom Scott & Mikell
8. Internalized shame
9. Perceptions of others

کنترل اجتماعی زنان باشد (فیتچ و نازارتیان، ۲۰۱۹: ۵۳۰). وابستگی بیشتر زنان به نهاد خانواده آنان را بر آن می‌دارد که بیش از مردان به دنبال کنش در قالب چارچوب‌های هنجاری معتبر از سوی جامعه باشند. در چنین شرایطی نه تنها قضاوت دیگران مهم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بلکه زیرپاگذاشتن هنجارها و ارزش‌های تأییدشده نیز به دلیل خطر از دست دادن پیوندهای اجتماعی، برای زنان عواقب سنگین‌تری دارد؛ چرا که حفظ این پیوندها برای زنان به دلیل وابستگی بیشتر ضروری می‌نماید.

بدین ترتیب نظریه شرمساری بازپذیرنده کمتر بودن ارتکاب جرم در میان دختران و زنان را با اشاره به مفروضاتی مانند پیوند اجتماعی بسیار عمیق‌تر دختران با خانواده، بیشتر بودن کنترل خانواده روی آنان، احساس شرم بیشتر آنان در برابر دیگران مهم و حساسیت بیشتر به نظرات این افراد و نهایتاً درونی کردن هنجارهای بیشتر در آنان تبیین کرده است (اسونسون، ۲۰۰۴: ۴۸۰)؛ بنابراین، تفاوت‌ها در جامعه‌پذیری جنسیتی، کلید فهم تبیین جنسیتی نظریه شرمساری بازپذیرنده است.

نباید از نظر دور داشت که نظریه شرمساری بازپذیرنده در امتداد و تکمیل نظریه انگ‌زنی ایجاد شده است. عواطف اخلاقی نظیر شرم توسط نظام‌های فرهنگی القا می‌شوند. استرادا، بکمن و نیلسون (۲۰۱۲) معتقدند مفروضات پیرامون هنجارهای جنسیتی سستی سبب می‌شود زنان مجرم سطوح بالاتری از انگ اجتماعی را توسط نظام پدرسالارانه تجربه کنند (روترو و بار، ۲۰۲۱: ۱۷۰). گلنادر^۱ (۲۰۲۰: ۱۳۰۴) نیز تأکید می‌کند که چگونه زنان مجرم به دلیل «انحراف مضاعف» خود بیشتر آزار می‌بینند؛ زیرا زنان متخلف هم حاکمیت قانون و هم هنجارهای جنسیتی را زیر پا می‌گذارند. براین اساس، درک بستر اجتماعی و چگونگی نهادینه شدن آن، برای درک تجارب شرم و انگ زنان در برجسب‌زنی به آنان مهم است؛ چرا که این فرایندها زندگی دختران را تنظیم می‌کنند و در جهت حفظ روابط و نظم جنسیتی نابرابر جامعه نیز عمل می‌کنند (هاجسون، ۲۰۲۲: ۵۴). باین حال نظریه شرمساری بازپذیرنده با قراردادن بازپذیری در امتداد انگ‌زنی و تلاش برای بازپذیری مجرم به جامعه، زنان را از ارتکاب جرم نهی می‌کند (فیتچ و نازارتیان، ۲۰۱۹: ۵۲۸-۵۲۹) و مهر انگ را کم‌رنگ می‌سازد.

علاوه بر تجربه انگ و شرم، بریتویت ارزش‌های اخلاقی و پایبندی به آن را نیز متغیر مهم و تبیین‌کننده رفتار انحرافی در نظر می‌گیرد که باز هم جامعه در بنانهادن آن دست دارد. تخطی از ارزش‌های رفتاری که در آحاد جامعه حلول می‌کنند، با واکنش‌هایی مانند شرمساری روبه‌رو می‌شود. باین‌همه منبع کسب این ارزش‌ها در نگاه بریتویت حائز اهمیت است؛ چرا که معتقد است گاه ارزش‌ها توسط جامعه متعارف (ارزش‌های اخلاقی) و گاه همان‌گونه که المرس، پگیلیارو و بارتو^۲ (۲۰۱۷: ۱۸۲) معتقدند توسط دوستان و گروه‌های منحرف (ارزش‌های انحرافی) به افراد القا می‌شوند.

به‌طور کلی، بریتویت نظریه شرمساری بازپذیرنده را برای پرداختن به حقایق بسط داد که سایر نظریه‌های جرم‌شناسی نمی‌توانند توضیح دهند. اما با گذر زمان این نظریه با الحاق متغیرهایی مانند پذیرش شرم، جابه‌جایی شرم و درونی‌سازی شرم تکمیل شده است. بدین ترتیب حساسیت به شرم که مسئول تفاوت‌های جنسیتی در الگوهای تخلف است، ممکن است به تفاوت در پذیرش شرم نسبت داده شود. مطالعه احمد^۳ نیز نشان می‌دهد پذیرش شرم، جنسیتی است؛ به‌طوری‌که زنان بیشتر از مردان در معرض شرم هستند (فیتچ و نازارتیان، ۲۰۱۹: ۵۲۸-۵۲۹)؛ بنابراین برای بهبود قدرت تبیین‌کنندگی نظریه شرمساری بازپذیرنده در مطالعات بعدی (احمد، ۲۰۰۱: ۲۰۱۴؛ تایتل، براتون و گرتز^۴، ۲۰۰۳؛ اسونسون، ۲۰۰۴؛ احمد و بریتویت، ۲۰۰۵؛ پونتزر^۵، ۲۰۱۰؛ اسونسون و همکاران، ۲۰۱۳؛ فیتچ، ۲۰۱۴؛

1. Rutter & Barr
2. Gálnder
3. Ellemers, Pagliaro, & Barreto
4. Ahmed
5. Tittle, Bratton, & Gertz

فیتچ و نازارتیان، ۲۰۱۹؛ فیتچ، نازارتیان و هیمل^۲، ۲۰۱۸ و شادمنفعت، چوی، کبیری و یون^۳، ۲۰۲۰، متغیرهایی نظیر جابه‌جایی شرم و درونی‌سازی آن که پیوند عمیقی با جنسیت دارند و به‌نوعی امری جنسیتی هستند، به مدل بریث‌ویت الحاق شده‌اند تا با ایجاد جرح‌و‌تعديل‌هایی به شکل دقیق‌تری مسئله جنسیت را تبیین کنند.

در مجموع، بار^۴ (۲۰۱۹) اشاره می‌کند که انگ و شرم با انتظارات جنسیتی مرتبط هستند. بر ساخت اجتماعی تخلف زنان برای درک رابطه بین شرم، انگ و انتظارات جنسیتی برای زنان متخلف حائز اهمیت است. مک‌لور^۵ که انتظارات جنسیتی متفاوت مربوط به رفتار اجتماعی قابل‌قبول مردان و زنان را بررسی می‌کند، بیان می‌دارد «درحالی‌که ممکن است تخلف برای بسیاری از مردان یک تجربه اجتماعی فراگیر باشد و آن‌ها به‌خاطر رفتار مجرمانه‌شان در میان دوستان اعتبار کسب کنند، این امر به‌ندرت در مورد زنان صدق می‌کند. به همین دلیل است که زنان کمتر تخلف می‌کنند» (هاجسون، ۲۰۲۲: ۶۰). بدین‌منظور، مطالعات نشان می‌دهد شرمساری تأثیری دارد که بسته به جنسیت متفاوت است. منطقی است که این امر می‌تواند زنان را از ارتکاب جرم دور کند. این نکته مهم است؛ زیرا بینشی را در مورد روش‌های کنترل رفتار زنان و دختران در یک جامعه مدرس‌سالار ارائه می‌دهد (فیتچ و نازارتیان، ۲۰۱۹: ۵۴۲). ویژگی مشترک در سراسر چنین جامعه‌ای این است که زنان و دختران یکپارچگی اخلاقی خاصی را اتخاذ کنند که توسط گفتمان‌های زنانگی تعیین می‌شود. وقتی زنان در پایبندی به این آرمان‌ها شکست می‌خورند، با احساس شرم مواجه می‌شوند. بدین‌ترتیب، تحقیقات آینده باید بر سازوکارهای علی‌تمرکز کنند که سبب می‌شود زنان بیشتر از مردان شرم را درونی کنند. شرمساری ممکن است یکی از روش‌های مختلف اجتماعی‌شدن مردان و زنان باشد که به تفاوت‌های چشمگیر در رفتار منجر می‌شود؛ بنابراین، کاوش بیشتر در مورد نقش جنسیتی شرم در تأثیرگذاری بر رفتار ضروری است (همان: ۵۴۲)؛ چرا که جامعه‌پذیری جنسیتی عامل مهمی در تبیین رفتارهای انحرافی است و این مهم در فرهنگ‌های پدرس‌سالار نمود بیشتری دارد؛ فرهنگ‌هایی که در آن‌ها ارزش‌ها و انگ‌ها به‌گونه‌ای نابرابر در زنان و مردان درونی می‌شوند و به‌کار می‌روند. فرهنگ‌هایی که سیطره خود را بیشتر بر سر دختران گسترانیده‌اند و روابط آنان را به خانواده محدود کرده‌اند. در چنین شرایطی از به‌هم‌پیوستگی، نقش دیگران مهم و قضاوت‌های آنان بسیار پررنگ‌تر می‌شود و پیرو آن، تلاش برای هم‌نوایی و کسب اعتبار در میان آنان نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه این فرایند، دختران کمتر به سمت انحراف کشیده می‌شوند؛ زیرا از دست‌دادن پیوندها برای آنان بااهمیت‌تر از پسران است. همچنین آنان به دلیل شرایط محیطی شرم بیشتری احساس می‌کنند و ظرفیت شرمسارشدن آنان بیش از پسران است. به‌طور کلی نظریه شرمساری بازپذیرنده نظریه‌ای است که در قبال جنسیت خنثی نیست و بر اهمیت تبیین جنسیتی توجه دارد. البته کم‌توجهی پژوهشگران در پرداختن به مباحث جنسیتی از منظر این نظریه، از قابلیت‌های تبیینی آن نمی‌کاهد؛ بنابراین مقاله حاضر با بهره‌گیری از عناصر اصلی نظریه شرمساری بازپذیرنده که ریشه‌های آن پیش‌تر بررسی شد، به تبیین جنسیتی اثرگذاری این عناصر بر رفتارهای انحرافی دانشجویان در بستر جامعه ایران می‌پردازد؛ جامعه‌ای که ته‌نشست‌هایی از فرهنگ پدرس‌سالار همچنان در آن قابل‌رویت است.

1. Pontzer

2. Fitch, Nazaretian, & Himmel

3. Shadmanfaat, Choi, Kabiri, & Yun

4. Barr

5. McIvor

۰۴. روش‌شناسی پژوهش

مقاله حاضر به روش کمی و با استفاده از تکنیک پیمایش نگارش شد. طرح تحقیق مقطعی است که با ابزار پرسشنامه محقق ساخته و مبتنی بر مطالعات تجربی پیشین اجرا شد. جمعیت مورد مطالعه را دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تابع وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در شهر تهران در دی‌ماه ۱۴۰۱ تشکیل دادند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به این ترتیب ابتدا دانشگاه‌های دولتی تابع وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مستقر در تهران برحسب رشته‌های تحصیلی که در دانشگاه‌ها وجود دارد، به سه خوشه تقسیم شدند (همه رشته‌ها، علوم انسانی، فنی-مهندسی). سپس متناسب با تعداد دانشجویان، در هر خوشه یک یا دو دانشگاه انتخاب شدند و در نهایت در هر دانشگاه متناسب با جنس تخصیص لازم صورت گرفت (جدول ۱).

جدول ۱. تخصیص نهایی نمونه تحقیق متناسب با خوشه، دانشگاه و جنس

جمع	جنس		دانشگاه	نوع دانشگاه
	مرد	زن		
۳۲۵	۱۵۷	۱۶۸	تهران	همه رشته‌ها
۱۳۵	۶۵	۷۰	شهید بهشتی	
۹۹	۴۷	۵۲	علامه طباطبایی	علوم انسانی
۱۳۰	۸۹	۴۱	صنعتی امیرکبیر	فنی-مهندسی
۱۱۱	۷۶	۳۵	علم و صنعت	
۸۰۰	۴۳۴	۳۶۶	جمع	

حجم نمونه براساس فرمول کوکران در بازه اطمینان ۹۵ درصد و با در نظر گرفتن $\sigma = ۰/۵$ و $e = ۰/۰۳۵$ برابر با ۷۸۴ به دست می‌آید. دواس نیز حجم نمونه را برحسب خطای نمونه‌گیری $۳/۵$ درصد برابر با ۸۱۶ عنوان کرده است (دواس، ۱۳۸۸: ۷۸). در نهایت به دلیل تفاوت ناچیز میان نتایج، حجم نمونه با تکیه بر فرمول و نظر دواس ۸۱۶ در نظر گرفته شد. اما برای اطمینان بیشتر ۵ درصد بیش از رقم به دست آمده یعنی ۸۵۷ پرسشنامه توزیع و در نهایت ۸۳۱ پرسشنامه صحیح و غیرمخدوش تکمیل شد. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS و با به کارگیری آزمون تفاوت میانگین‌ها و ضرایب استاندارد رگرسیون‌های محاسبه شده برای دختران و پسران تحلیل شدند و توان تبیینی نظریه شرمساری بازپذیرنده را برای هر دو جنس سنجش شدند.

متغیرهای اصلی نظریه شرمساری بازپذیرنده عبارت‌اند از: ۱. شرمساری^۱ یا نوعی عدم تأیید که پشیمانی و ندامت فرد را در پی دارد؛ ۲. بازپذیری^۲ یا همان فرایند جداسازی عمل از فرد که با مجرم به عنوان «فرد خوبی رفتار می‌شود که کار بدی انجام داده است»؛ ۳. انگ‌زنی^۳ که شرمساری غیربازپذیرنده‌ای است که تلاشی برای تطبیق مجرم شرمسار با جامعه ندارد؛ ۴. به هم پیوستگی^۴ که با تأکید بر بعد احساسی نظریه کنترل اجتماعی تعریف می‌شود و پیوندهای فرد و پیوستگی وی در سطح خانواده، استادان و دانشگاه است؛ ۵. پذیرش شرم^۵ یا حسی درونی که در هنگام فاش شدن خطا نزد دیگران، در فرد حاصل می‌شود؛ ۵. جابه‌جایی شرم^۶ که نوعی

1. Shaming
2. Reintegration
3. Stigmatization
4. Interdependency
5. Shame acknowledgment
6. Shame displacement

مدیریت شرم به شکل سرزنش دیگران به‌خاطر اشتباه خود و ابراز خشم نسبت به آن‌ها است؛ ۶. درونی‌سازی شرم^۱ یا نوعی مدیریت شرم که فرد احساس طرد را درونی و عواطف خودآزارگر را تجربه می‌کند؛ ۷. پایبندی به ارزش‌های اخلاقی^۲ یا گرایش‌های اخلاقی فرد که با درونی‌سازی باورها و هنجارها بر قدرت اعمال کنترل بر خود همراه می‌شود؛ و ۸. دوستان منحرف^۳ که این متغیر ردپای نظریات کنترل اجتماعی، پیوند افتراقی، یادگیری اجتماعی و نظریه‌های خرده‌فرهنگی را در آرای بریث‌ویت نشان می‌دهد و تأکید دارد افرادی که با مجرمان ارتباط دارند یا شدیداً به همسالان بزهکار^۴ وابسته هستند، احتمال بیشتری دارد که در جرم شرکت کنند. متغیرهای مستقل شرمساری، بازپذیری، انگ‌زنی، به‌هم‌پیوستگی، پذیرش شرم، جابه‌جایی شرم، درونی‌سازی شرم، پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و دوستان منحرف با استفاده از ۶۹ گویه و متغیر وابسته رفتار انحرافی نیز با بهره‌گیری از ۳۰ گویه آزمون شدند. نحوه سنجش متغیرهای مستقل و وابسته این تحقیق در قالب جداول گویه، در انتهای این مقاله به‌صورت پیوست گزارش شده است.

۵. یافته‌های تحقیق

مطالعه حاضر در پی بررسی تعمیم‌پذیری جنسیتی نظریه شرمساری بازپذیرنده و توان تبیین جنسیتی رفتارهای انحرافی دانشجویان است. در واقع منظور از رفتارهای انحرافی دانشجویان، سابقه و میزان ارتکاب انواع رفتارهایی است که توسط آنان یا در محیط دانشگاه اتفاق افتاده و ذیل ابعاد مصرف مواد و انحرافات جنسی، وندالیسم و سرقت، تقلب، تخلفات رایانه‌ای و قلدری قرار می‌گیرد. توزیع نسبی پاسخگویان برحسب متغیر وابسته رفتار انحرافی در پژوهش حاضر حاکی از این است که ۹۱/۲ درصد از دانشجویان دختر و ۸۱/۹ درصد از پسران دانشجو در سطح کم، ۸/۵ درصد از دختران و ۱۷/۴ درصد از پسران دانشجو در سطح متوسط و ۰/۳ درصد از دختران و ۰/۷ درصد از پسران مورد بررسی در سطح زیاد تجربه رفتارهای انحرافی را داشته‌اند. نمره میانگین رفتار انحرافی دختران ۴۸/۱۵ و نمره میانگین پسران ۵۵/۴۱ است که در بازه‌ای از ۳۰ تا ۱۵۰ قابل تفسیر است و در حد کم ارزیابی می‌شود. براین اساس میزان رفتارهای انحرافی اگرچه در هر دو جنس کم است، این میزان در دختران دانشجو کمتر از پسران است و دختران در مقایسه با پسران پاسخگو کمتر مرتکب رفتارهای انحرافی شده‌اند. در نهایت توزیع نسبی پاسخگویان برحسب متغیر وابسته رفتار انحرافی در پژوهش حاضر حاکی از این است که ۸۶/۲ درصد دانشجویان در سطح کم، ۱۳/۴ درصد در سطح متوسط و ۰/۵ درصد در سطح زیاد تجربه رفتارهای انحرافی را داشته‌اند. توزیع پاسخگویان حاکی از آن است که تقلب شایع‌ترین رفتار انحرافی در میان دانشجویان دانشگاه‌های نمونه در پژوهش حاضر است و ۳۶/۱ درصد از دانشجویان دختر و ۴۴/۹ درصد از پسران دانشجو به میزان متوسط تا زیادی مرتکب تقلب شده‌اند. نمرات میانگین نیز نشان می‌دهد دختران با نمره میانگین ۱۳/۳۶ کمتر از پسران با نمره میانگین ۱۴/۸۱ تقلب کرده‌اند. در مجموع توزیع نسبی کل پاسخگویان در این بعد حاکی از این است که ۵۹/۱ درصد پاسخگویان در سطح کم و ۴۰/۹ درصد نیز در سطوح متوسط و زیاد تقلب جای می‌گیرند.

در این تحقیق واکاوی نظریه شرمساری بازپذیرنده با ۹ مقیاس سنجش شد و ارزیابی‌ها بر مبنای متغیر زمینه‌ای جنس لحاظ شدند. یافته‌های پژوهش گویای آن است که ۵۴/۶ درصد پاسخگویان پسر هستند و قریب به نیمی از آنان (۴۹/۱ درصد) در سنین ۲۰ تا ۲۴

1. Shame Internalization
2. Moral emotions
3. deviant friends
4. Delinquent Peer

سال قرار دارند. دانشجویان مجرد (۹۴/۰ درصد)، بدون شغل (۷۱/۳ درصد) و در مقطع تحصیلی کارشناسی (۶۹/۳ درصد) اکثریت نمونه مورد بررسی را به خود اختصاص داده‌اند که آخرین معدل بالغ بر نیمی از آنان (۶۸/۳ درصد) بالاتر از ۱۶ بوده است. در مقاله حاضر برای بررسی قدرت تبیین جنسیتی نظریه شرمساری بازپذیرنده، ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل و رفتار انحرافی دانشجویان برای هر دو جنس به تفکیک ارائه شده است. جدول ۱ خلاصه ضرایب رگرسیونی خطی و روش جبری تمامی ۹ متغیر مستقل و رفتار انحرافی را برای دانشجویان دختر به تصویر می‌کشد. یافته‌ها نشان می‌دهد از مجموع ۹ متغیر مستقل لحاظ شده در محاسبه رگرسیون، ۴ متغیر در مدل رگرسیونی هستند و با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده قادر به تبیین ۳۹ درصد تغییرات واریانس متغیر رفتار انحرافی دختران دانشجو هستند. پایداری به ارزش‌های اخلاقی با ضریب رگرسیونی استاندارد ۰/۳۵۲- به‌عنوان قوی‌ترین متغیر و تنها متغیر با اثری معکوس معرفی شده است. با توجه به شدت ضرایب بتا پس از آن به‌ترتیب متغیرهای دوستان منحرف با ضریب رگرسیونی استاندارد ۰/۲۴۷، انگزنی با ضریب رگرسیونی استاندارد ۰/۱۵۱ و جابه‌جایی شرم با ضریب رگرسیونی استاندارد ۰/۱۱۷ با اثر مثبت می‌توانند به‌عنوان عوامل مؤثر، تغییرات متغیر رفتار انحرافی را تبیین کنند؛ بنابراین با افزایش پایداری به ارزش‌های اخلاقی در دختران دانشجو، کاهش تعامل و صمیمیت آنان با دوستان منحرف، کنترل رفتارهای انگ‌زننده در اطرافیان دانشجویان و کاهش جابه‌جایی شرم آنان در تعاملات اجتماعی، رفتار انحرافی آنان کاهش می‌یابد.

جدول ۲. مدل رگرسیون چندگانه برای تبیین رفتار انحرافی دختران دانشجو با متغیرهای مستقل پژوهش

ضرایب رگرسیونی متغیر	ضرایب			همبستگی		کنترل هم‌خطی		
	استاندارد (β)	آماره T	سطح معناداری	همبستگی مرتبه صفر	همبستگی تفکیکی	همبستگی نیمه تفکیکی	ضریب حداقل تحمل	تورم واریانس (VIF)
شرمساری	0/000	0/002	0/998	-0/168	0/000	0/000	0/870	1/150
بازپذیری	0/050	1/130	0/259	-0/058	0/059	0/046	0/853	1/173
انگزنی	0/151	2/784	0/006	0/368	0/144	0/113	0/555	1/803
به‌هم‌پیوستگی	-0/002	-0/035	0/972	-0/303	-0/002	-0/001	0/581	1/721
پذیرش شرم	-0/100	-1/808	0/071	-0/236	-0/094	-0/073	0/535	1/871
جابه‌جایی شرم	0/117	2/676	0/008	0/161	0/139	0/108	0/853	1/173
درونی‌سازی شرم	0/071	1/344	0/180	0/014	0/070	0/054	0/592	1/690
دوستان منحرف	0/247	5/356	0/000	0/445	0/270	0/217	0/770	1/299
پایداری به ارزش‌های اخلاقی	-0/352	-6/863	0/000	-0/557	-0/338	-0/278	0/620	1/612
آماره‌های رگرسیون	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	F	سطح معناداری			
	0/635	0/403	0/388	27/374	0/000			

جدول ۲ خلاصه ضرایب رگرسیونی خطی و روش جبری تمامی ۹ متغیر مستقل و رفتار انحرافی پسران دانشجو را نمایش می‌دهد. یافته‌ها گواه آن است که فقط ۵ متغیر در مدل رگرسیونی هستند و با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده قادر به تبیین ۴۰ درصد تغییرات واریانس متغیر رفتار انحرافی پسران دانشجو هستند. پایداری به ارزش‌های اخلاقی با ضریب رگرسیونی استاندارد

۰/۳۵۰- به‌عنوان قوی‌ترین متغیر و درونی‌سازی شرم با ضریب رگرسیونی استاندارد ۰/۱۲۲- پس از آن به‌عنوان متغیرهایی با اثر معکوس شناخته شده‌اند. با توجه به شدت ضرایب بتا پس از آن به‌ترتیب متغیرهای دوستان منحرف با ضریب رگرسیونی استاندارد ۰/۲۷۹، انگ‌زنی با ضریب رگرسیونی استاندارد ۰/۱۵۸ و بازپذیری با ضریب رگرسیونی استاندارد ۰/۰۹۰ با اثر مثبت، دیگر متغیرهایی هستند که می‌توانند به‌عنوان عوامل مؤثر، تغییرات متغیر رفتار انحرافی را تبیین کنند؛ بنابراین با افزایش سطح پابندی به ارزش‌های اخلاقی، درونی‌سازی شرم در پسران دانشجو، کاهش تعامل و صمیمت آنان با دوستان منحرف، کنترل رفتارهای انگ‌زننده در اطرافیان دانشجویان و کاهش بازپذیری آنان در تعاملات اجتماعی، رفتار انحرافی در پسران دانشجو کاهش می‌یابد.

جدول ۳. مدل رگرسیون چندگانه جهت تبیین رفتار انحرافی پسران دانشجو با متغیرهای مستقل پژوهش

متغیر	ضرایب			همبستگی			کنترل هم‌خطی	
	استاندارد (β)	آماره آزمون T	سطح معناداری	همبستگی مرتبه صفر	همبستگی تفکیکی	همبستگی نیمه تفکیکی	ضریب حداقل تحمل	تورم واریانس (VIF)
شرمساری	-0/074	-1/888	0/060	-0/178	-0/090	-0/069	0/873	1/146
بازپذیری	0/090	2/151	0/032	-0/024	0/102	0/079	0/773	1/294
انگ‌زنی	0/158	3/611	0/000	0/316	0/170	0/132	0/699	1/430
به‌هم‌پیوستگی	-0/082	-1/881	0/061	-0/257	-0/089	-0/069	0/702	1/425
پذیرش شرم	0/054	1/097	0/273	-0/181	0/052	0/040	0/561	1/783
جابه‌جایی شرم	0/061	1/461	0/145	0/075	0/070	0/053	0/769	1/300
درونی‌سازی شرم	-0/122	-2/563	0/011	-0/112	-0/121	-0/094	0/590	1/694
دوستان منحرف	0/279	6/713	0/000	0/490	0/305	0/246	0/777	1/288
پابندی به ارزش‌های اخلاقی	-0/350	-7/962	0/000	-0/528	-0/355	-0/291	0/694	1/440
آماره‌های رگرسیون	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده	F	سطح معناداری			
	0/642	0/412	0/400	34/179	0/000			

همچنین برای مقایسه بهتر، جدول ۳ ضرایب رگرسیونی استاندارد کل دانشجویان و به تفکیک جنس را در کنار یکدیگر نمایان می‌سازد. به‌طور کلی، یافته‌ها گویای آن است که متغیرهای پابندی به ارزش‌های اخلاقی، دوستان منحرف و انگ‌زنی به‌ترتیب با ضرایب رگرسیونی ۰/۳۲۷-، ۰/۲۹۷ و ۰/۱۵۳ به‌صورت مشترک در هر سه رگرسیون (کل، دختران و پسران دانشجو) وجود داشته‌اند. تفاوت رگرسیون دختران دانشجو و پسران دانشجو در سه متغیر بازپذیری، درونی‌سازی و جابه‌جایی شرم است. متغیر جابه‌جایی شرم در مدل رگرسیونی دختران دانشجو با ضریب رگرسیونی استاندارد ۰/۱۱۷ به‌صورت مثبت تأثیرگذار بوده، ولی در مدل رگرسیون کل دانشجویان ضریب رگرسیونی استاندارد آن ۰/۰۶۸ است؛ درحالی‌که متغیرهای درونی‌سازی شرم و بازپذیری در مدل رگرسیونی پسران دانشجو به‌ترتیب با ضرایب رگرسیونی استاندارد ۰/۱۲۲- و ۰/۰۹۰ معنادار هستند و در تبیین رفتارهای انحرافی پسران نقش داشته‌اند، اما این دو متغیر در مدل رگرسیون کل دانشجویان معنادار نیستند و نقشی نداشته‌اند.

جدول ۴. مقایسه ضرایب استاندارد رگرسیون چندگانه در تبیین رفتارهای انحرافی به تفکیک جنس

متغیر	ضرایب استاندارد		کل		مرد	
	ضرایب استاندارد	ضرایب استاندارد (B)	سطح معناداری	ضرایب استاندارد (B)	سطح معناداری	ضرایب استاندارد (B)
شرمساری	-0/041	0/156	0/000	0/998	-0/074	0/060
بازپذیری	0/046	0/123	0/050	0/259	0/090	0/032
انگ‌زنی	0/153	0/000	0/151	0/006	0/158	0/000
به‌هم‌پیوستگی	-0/052	0/122	-0/002	0/972	-0/082	0/061
پذیرش شرم	-0/019	0/607	-0/100	0/071	0/054	0/273
جابه‌جایی شرم	0/068	0/023	0/117	0/008	0/061	0/145
درونی‌سازی شرم	-0/044	0/211	0/071	0/180	-0/122	0/011
دوستان منحرف	0/297	0/000	0/247	0/000	0/279	0/000
پایبندی به ارزش‌های اخلاقی	-0/327	0/000	-0/352	0/000	-0/350	0/000

۶. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر درخصوص مقایسه جنسیتی متغیرهای تأثیرگذار نظریه شرمساری بازپذیرنده و نیز توان تبیینی نظریه در باب رفتارهای انحرافی دانشجویان دانشگاه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد تفاوت‌هایی در متغیرهای تبیین‌گر رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان دختر و پسر دیده شده است. یافته‌ها گویای آن است که متغیرهای انگ‌زنی، جابه‌جایی شرم و ارتباط با دوستان منحرف تأثیر مثبت و معنادار و متغیر پایبندی به ارزش‌های اخلاقی تأثیری منفی و معنادار با رفتارهای انحرافی در میان دختران دارند. درحالی‌که در خصوص پسران دانشجویان، متغیرهای انگ‌زنی و ارتباط با دوستان منحرف تأثیری مثبت و متغیرهای درونی‌سازی، بازپذیری و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی تأثیری منفی دارند. مطالعه اسونسون و همکاران (۲۰۱۳) نیز تأثیر منفی پایبندی به ارزش‌های اخلاقی بر رفتارهای انحرافی در هردو جنس را تأیید می‌کند. همچنین انگ‌زنی به‌عنوان متغیر دیگری که تأثیری معکوس بر رفتار انحرافی دارد، در مطالعات بنت (۱۹۹۶)، تایتل و براتون و گرتز (۲۰۰۳)، شایبل و هاگز (۲۰۱۱) تأیید شده است. تأثیر مثبت متغیر دوستان منحرف در هردو جنس را می‌توان هم‌آوا با یافته‌های مطالعات بنت (۱۹۹۶) و اسونسون (۲۰۱۳) دانست. این یافته که جابه‌جایی شرم متغیری مثبت در میان دختران است، با مطالعات احمد و بریت‌ویت (۲۰۰۴) و فیتچ و نازارتیان (۲۰۱۹) هم‌راستا است. اما برخلاف مفروضات نظری درونی‌سازی، تأثیری منفی در ارتکاب رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان پسر داشته است. این نتایج با آرای با لوری^۱ (۲۰۱۸) همسو است. درنهایت مطالعه حاضر ناهمسو با ادعای بریت‌ویت گواه آن است که بازپذیری در پسران تأثیری منفی دارد.

علاوه بر مقایسه جنسیتی متغیرهای تبیین‌گر، نظریه شرمساری بازپذیرنده قابلیت تعمیم به رفتارهای انحرافی دختران را نیز دارد. در پی بررسی تعمیم‌پذیری جنسیتی نظریه شرمساری بازپذیرنده، مطالعه حاضر با مقایسه دختران و پسران دانشجویان نشان می‌دهد این نظریه قادر است میزان نسبتاً زیادی (۳۸ درصد) از تغییرات رفتارهای انحرافی دختران دانشجویان و میزان نسبتاً مشابه و البته کمی بیشتر (۴۰ درصد) از تغییرات رفتار انحرافی در پسران دانشجویان را تبیین کند. درنتیجه هرچند قدرت نظریه در تبیین رفتارهای انحرافی پسران

دانشجو بیش از دختران است، این تفاوت بسیار اندک است. بر این مبنا می‌توان اذعان داشت که نظریه از قابلیت تعمیم به رفتارهای انحرافی دختران دانشجو نیز برخوردار است و ادعای بریتویت درخصوص توان این نظریه در تبیین و تعمیم‌پذیری جنسیتی گمان غلط و جاه‌طلبانه‌ای نبوده است. به این ترتیب نظریه قابلیت تعمیم به هردو جنس را دارد.

مطالعات بسیاری (بکر و اولستاد، ۲۰۰۷؛ براون اسپنسن و گیس، ۲۰۱۵؛ دالیور و راکر، ۲۰۱۸؛ بیتون، کید و مکین، ۲۰۱۸؛ بونی‌فیس و بکام، ۲۰۲۱؛ هاجسون، ۲۰۲۲) بر آن اند که جنسیت نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین رفتارهای انحرافی دارد. براین‌اساس بریتویت (۱۹۸۹) مدعی آن بوده که نظریه‌اش از قابلیت تعمیم‌پذیری جنسیتی برخوردار است و پیرو آن مطالعات جنسیتی (بت، ۱۹۹۶؛ اسونسون، ۲۰۰۴؛ اسونسون و همکاران، ۲۰۱۳؛ فیتچ و نازارتیان، ۲۰۱۹؛ هاجسون، ۲۰۲۲) بر پایه این نظریه شکل گرفته که به بررسی این ادعا پرداخته‌اند. مطالعه حاضر به دلیل بررسی تعمیم‌پذیری جنسیتی نظریه شرمساری بازپذیرنده، از اندک مطالعات انجام‌شده در این حوزه به‌طور خاص و در ایران به‌طور عام است. براساس یافته‌ها، این مطالعه به‌صراحت تأکید دارد که نظریه شرمساری بازپذیرنده نظریه‌ای خنثی از جنسیت نیست، از قابلیت تبیین جنسیتی برخوردار است و توانسته تعمیم‌پذیری نظریه شرمساری بازپذیرنده بریتویت را در حوزه مطالعات داخلی ارائه دهد.

به‌طور کلی، یافته‌ها گویای آن است که متغیرهای پایبندی به ارزش‌های اخلاقی، دوستان منحرف و انگ‌زنی، نتایج مشابهی برای دختران و پسران دانشجو داشته‌اند و در تبیین رفتارهای انحرافی هردو جنس نقش مشابهی ایفا می‌کنند. شایان ذکر است که متغیرهای دوستان منحرف و انگ‌زنی در تبیین رفتارهای انحرافی پسران دانشجو، قدرت بیشتری دارد؛ درحالی‌که متغیر پایبندی به ارزش‌های انحرافی در تبیین رفتارهای انحرافی دختران دانشجو قوی‌تر عمل کرده است. اساساً پسران دانشجو، به دلیل به‌هم‌پیوستگی کمتر با دیگران مهم و نیز کم‌تر بودن میزان کنترل اجتماعی روی آنان، زمانی که با انگ مواجه می‌شوند، احتمال بیشتری دارد که به سبب از دست‌دادن فرصت‌های مشروع به ورطه‌های مجرمانه و روابط با افراد منحرفی وارد شوند که تعاریف مطلوب از رفتار انحرافی را که با تعاریف مورد قبول جامعه فاصله دارد، به آنان عرضه می‌دارند؛ بنابراین پسران دانشجو در نتیجه ارتباط و صمیمیت با دوستان منحرف، یا خرده‌فرهنگ‌های انحرافی ضمن یادگیری تعاریف مطلوب از رفتار انحرافی، فنون آن را نیز می‌آموزند و فرصت ارتکاب رفتارهای انحرافی برای آنان فراهم می‌شود؛ درحالی‌که دختران دانشجو به سبب پایبندی بیشتر به ارزش‌های اخلاقی، کمتر مرتکب رفتارهای انحرافی می‌شوند.

همچنین متغیرهای بازپذیری و درونی‌سازی شرم در تبیین رفتار انحرافی پسران دانشجو نقش دارند؛ درحالی‌که متغیر جابه‌جایی شرم در تبیین رفتارهای انحرافی دختران دانشجو اثرگذار بوده است. اساساً این یافته‌ها با مفروضات نظریه شرمساری بازپذیرنده در تعارض است؛ چرا که نظریه به تأثیر منفی بازپذیری بر ارتکاب رفتارهای انحرافی اشاره دارد که با افزایش بازپذیری میزان ارتکاب رفتارهای انحرافی کاسته می‌شود، اما مطابق یافته‌ها، این ادعا درخصوص پسران دانشجو متفاوت است. با افزایش بازپذیری در پسران دانشجو، میزان ارتکاب رفتارهای انحرافی نیز افزایش یافته است. اگر اصول بازپذیری که اطمینان از پذیرش نقش توبه‌کننده توسط خاطی و صداقت او در ابراز پشیمانی است رعایت نشود، به دلیل تسامح دیگران مهم، رفتارهای انحرافی دیگر در نظر افراد مذموم نخواهد بود و ممکن است به افزایش رفتارهای انحرافی منجر شود. همچنین یافته‌ها نشان از آن دارد که درونی‌سازی شرم در تبیین رفتار انحرافی پسران دانشجو نقش دارد و با افزایش درونی‌سازی شرم در آنان، رفتارهای انحرافی کاهش می‌یابد. در این باب می‌توان گفت همان‌گونه که لوری (۲۰۱۸: ۳۱) معتقد است، در برخی موارد درونی‌سازی شرم با اتخاذ عملکردی مثبت در سازوکار مدیریت شرم، مانند پذیرش شرم، منشأ آثار مثبتی در جهت ترمیم روابط فرد با اجتماع و جبران خسارات می‌شود. در این راستا احساس درونی

شرم، فرد را به سمت رفتارهای مثبت رهنمون می‌سازد و احساساتی مانند کینه، نفرت و انتقام‌جویی را در پی ندارد. علاوه بر این، در خصوص تأثیر مثبت جابه‌جایی شرم در دختران دانشجو که افزایش آن سبب افزایش رفتارهای انحرافی توسط آنان می‌شود، می‌توان گفت امروزه با کاهش شکاف جامعه‌پذیری جنسیتی، دختران دانشجو به نوعی متفاوت با ادعاهای نظری عمل می‌کنند. مطابق این ادعاها، دختران احساسات و عواطفی مانند شرم را درونی می‌سازند و با رفتار انحرافی به آن پاسخ نمی‌دهند. این امر حاکی از کم‌رنگ شدن پاسخگویی به انتظارات اجتماعی توسط دختران دانشجو است.

در مجموع می‌توان گفت ادعای تعمیم‌پذیری جنسیتی در رفتارهای انحرافی دانشجویان از دیدگاه نظریه بریث‌ویت، تأیید تجربی دارد و ارکان اصلی نظریه شرمساری بازپذیرنده، قدرت تبیین رفتار انحرافی و قابلیت تعمیم به هر دو جنس را دارد. اما با وجود تأیید تجربی مطالعه حاضر در خصوص ادعای تعمیم‌پذیری جنسیتی و قدرت تبیین نظریه شرمساری بازپذیرنده، مسیر مطالعات تجربی نظریه مذکور به پایان نرسیده و این مطالعه تنها تلاش کوچکی در این راه بوده است.

مأخذ مقاله: مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تدوین جامعه‌شناختی رفتارهای انحرافی دانشجویان: آزمون تجربی نظریه شرمساری بازپذیرنده بریث‌ویت». گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- ابراهیمی، نصیبه، کلانتری، کیومرث و عابدین صفری کاکرودی (۱۳۹۷). تبیین نقش پلیس ترمیمی در شرمساری پیشگیرانه از تکرار جرم. *انتظام اجتماعی*، ۱۰(۲)، ۲۲۹-۲۵۰.
- باقری قوام‌آبادی، علیرضا (۱۴۰۰). بررسی جرم‌شناختی مجازات‌های سالب حیثیت و پیامدهای آن با تأکید بر مفهوم بدنامی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه*.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، و عبدالوهاب، کریمی (۱۴۰۰). شرم و پیشگیری از جرم: از منظر دانش جرم‌شناسی و اخلاق اسلامی. *پژوهش‌های اخلاقی*، ۳(۴۳)، ۱۲۵-۱۴۶.
- حسینی، محمدرضا (۱۳۹۴). شرمساری بازپذیرنده و بزهکاری، تحلیل جامعه‌شناختی نظریه شرمساری بازپذیرکننده بریث‌ویت در بستر خانواده. *رساله دکتری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران*.
- زند اقطاعی، فاطمه، قربانزاده، محمد، و گرایلی، محمدباقر (۱۳۹۸). نظریه شرمساری در عدالت ترمیمی از نگاه قرآن. *قرآن و علم*، ۱۳(۲۵)، ۱۸۱-۲۰۶.
- صدیق‌یان‌بیدگلی، فاطمه، و لشگری، مجتبی (۱۳۹۶). بازشناسی و مرور نظام‌مند مسائل اجتماعی زندگی دانشجویی در ایران. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۳(۳)، ۱۱۵-۱۳۸.
- عزیزی‌ارشد، مصطفی، وروایی، اکبر، جعفری، محمدجواد، و قاسمی، مسعود (۱۳۹۹). جایگاه عدالت ترمیمی در جامعه‌شناسی جنایی جرائم امنیتی-سیاسی ایران. *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۲(۱۰)، ۸۴۹-۸۶۰. <https://doi.org/10.30510/psi.2022.328108.3061>
- عطاشنه، منصور، و کیایی، امین (۱۳۹۸). عدالت ترمیمی در اندیشه امام علی (ع). *پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، ۷(۲۷)، ۹۹-۱۱۶. <https://doi.org/10.22084/nahj.2019.17345.2124>
- علیزاده، حمید (۱۴۰۰). تحلیل فقهی-جرم‌شناختی نظریه شرمساری بازپذیرکننده. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی*.

- علیوردی‌نیا، اکبر، و انصاری، پریا (۱۳۹۸). راهبردهای پیشگیری از جرم: عدالت ترمیمی بدیلی بر بازدارندگی سنتی و عدالت کیفری. راهبرد اجتماعی و فرهنگی، ۸(۳۰)، ۱۴۷-۱۷۴. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22517081.1398.8.1.6.2>
- علیوردی‌نیا، اکبر، ملک‌دار، اعظم، و محمدرضا حسنی (۱۳۹۳). تخلفات رایانه‌ای در میان دانشجویان دانشگاه مازندران: آزمون تجربی نظریه یادگیری اجتماعی ایگز. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۵(۲)، ۲۳-۵۶.
- علیوردی‌نیا، اکبر، و سهرابی، مریم (۱۳۹۴). تحلیل اجتماعی قلدری در میان دانش‌آموزان (مطالعه موردی: دوره متوسطه شهر ساری). مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۴(۱)، ۹-۳۹.
- علیوردی‌نیا، اکبر، و یونسی، عرفان (۱۳۹۳). تأثیر میزان خودکنترلی بر ارتکاب جرم در میان دانشجویان. راهبرد، ۲۶، ۷-۳۸.
- علیوردی‌نیا، اکبر، و فهیمی، امین (۱۳۹۸). تعمیم‌پذیری جنسیتی نظریه پیوند اجتماعی در تبیین رفتارهای انحرافی دانشجویان دختر. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۳(۱)، ۱۶۵-۱۹۱. <https://doi.org/10.22059/jisr.2014.52468>
- علیوردی‌نیا، اکبر، و حسنی، محمدرضا (۱۳۹۴). شرمساری بازپذیرکننده و بزهکاری: آزمون تجربی نظریه تلفیقی بریثویت. جامعه‌شناسی ایران، ۱۶(۳)، ۳-۳۷. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17351901.1394.16.3.1.9>
- علیوردی‌نیا، اکبر، جانعلی‌زاده چوب‌بستی، حیدر، و توحیدیان، رقیه (۱۳۹۲). تأثیر برچسب‌زنی بر گرایش دانشجویان به رفتارهای انحرافی. تحقیقات فرهنگی ایران، ۶(۲)، ۶۷-۹۰.
- غلامی، حسین (۱۳۸۷). شرم و پیشگیری از تکرار جرم. مطالعات پیشگیری از جرم، ۴(۱۰)، ۵۱-۸۵.

- Ahmed, E. (2001). "Shame Management: Regulating Bullying." PP. 211-314 in *Shame Management through Reintegration*, edited by Eliza Ahmed, Nathan Harris, John Braithwaite, and Valerie Braithwaite. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Ahmed, E., & Braithwaite, J. (2005). Forgiveness, shaming, shame and bullying. *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, 38(3), 298-323. <https://doi.org/10.1375/acri.38.3.298>
- Alivardinia, A. & Fahimi, A. (2019). "Gender generalizability of social bonding theory in explaining deviant behaviors of female students". *Social Studies and Research in Iran*, 3(1), 165-191. (In Persian) <https://doi.org/10.22059/jisr.2014.52468>
- Alivardinia, A. & Hassani, M. R. (2015). "Reintegrative Shaming and Delinquency: An empirical test of Braithwaite's Reintegrative Shaming Theory. *Iranian Journal of Sociology*. 16(3), 3-37. (In Persian) <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17351901.1394.16.3.1.9>
- Alivardinia, A. & Sohrabi, N. M. (2015). "Bullying in High School Through Social Explanation: A Case Study". *Journal of Studies of Socio-Cultural Development*, 4(1), 9-39. (In Persian)
- Alivardinia, A. & Younesi, E. (2014). "The effect of self-control on crime among students". *Strategy*, 26, 7-38. (In Persian)
- Alivardinia, A., Janalizadeh Choobbasti, H. & Tohidian, R. (2013). The Impact of Labelling on The Attitude of The University Students Toward Deviant Behaviors. *Iranian Journal of Cultural Research*, 6(2 (22)), 67-90. (In Persian)
- Alivardinia, A., Malekdar, A. & M. H. (2014). "Computer Crimes Among Students of Mazandaran University: An Empirical Test of Akers' Social Learning Theory". *Iranian Journal of Sociology*, 15(2), 23-56. (In Persian)
- Alivardinia, A. & Ansari, P. (2019). "Crime Prevention Strategies: Restorative Justice as an Alternative to Traditional Deterrence and Criminal Justice". *The Socio-Cultural Strategy Journal*, 8(30), 147-174. (In Persian)
- Alizadeh, H. (2021). *Jurisprudential-Criminological Analysis of Reintegrative Shaming theory*. Master's Thesis. Faculty of Law and Political Science. Allameh Tabatabaie University. (In Persian)
- Atashaneh, M. & Kiani, A. (2019). "Restorative justice In the thought of Imam Ali". *Journal of Nahjolbalagha*, 7(27), 99-116. (In Persian) <https://sid.ir/paper/373598/en>

- Azizi-Arshad, M.; Varvaei, A.; Jafari, M. J. & Ghasemi, M. (2019). "The Place of Restorative Justice in the Criminal Sociology of Security-Political Crimes in Iran". *Iranian Political Sociology*, 2(10), 849-860. (In Persian) <https://doi.org/10.30510/psi.2022.328108.3061>
- Bagheri Ghavamabadi, A. (2021). *Criminological study of negative punishments and their consequences with emphasis on the concept of infamy*. Master's thesis, Faculty of Literature and Humanities. Urmia University. (In Persian)
- Bao, W. N., Haas, A., Chen, X., & Pi, Y. (2014). Repeated strains, social control, social learning, and delinquency: Testing an integrated model of general strain theory in China. *Youth & Society*, 46(3), 402-424. <https://doi.org/10.1177/0044118X11436189>
- Barr, Ú. (2019). *Desisting sisters*. Cham: Springer International Publishing.
- Beaton, T., Kidd, M. P., & Machin, S. (2018). Gender crime convergence over twenty years: Evidence from Australia. *European Economic Review*, 109, 275-288. <https://doi.org/10.1016/j.eurocorev.2018.01.001>
- Becker, D. & Ulstad, I. (2007). Gender differences in student ethics: Are females really more ethical? *Ann Arbor, MI: M Publishing*, University of Michigan Library.
- Bennett, K. J. (1996). *A family model of shaming and delinquency: A partial test of Braithwaite's reintegrative shaming theory*. Faculty of the College of Criminal Justice.
- Boniface, E. C., & Bekom, A. K. (2021). Understanding students' deviant behavior based on gender in federal universities of southern Nigeria. *PalArch's Journal of Archaeology of Egypt/Egyptology*, 18(08), 4016-4025.
- Brown, S. E., Esbensen, F. A., & Geis, G. (2015). *Criminology: Explaining crime and its context*. Anderson Publishing Company.
- Choy, O., Raine, A., Venables, P. H., & Farrington, D. P. (2017). Explaining the gender gap in crime: The role of heart rate. *Criminology*, 55(2), 465-487. <https://doi.org/10.1111/1745-9125.12138>
- DeKeseredy, W. S. (2021). *Contemporary critical criminology*. Routledge.
- Dolliver, M. J., & Rucker, D. L. (2018). Addressing a divide in the conceptualization of the gender-crime relationship: A comparative test of gender and sex using general strain theory. *Deviant Behavior*, 39(12), 1552-1565. <https://doi.org/10.1080/01639625.2017.1410619>
- Ebrahimimi, N.; Kalantari, K. & Safari Kakroudi, A. (2018). "Explaining the Role of Restorative Police in Preventive Shamefulness of Recidivism". *Journal of Social Order (Entezm- e- Ejtemaei)*, 10(2), 229-250. (In Persian)
- Ellemers, N., Pagliaro, S., & Barreto, M. (2017). Morality and behavioural regulation in groups: A social identity approach. In *European Review of Social Psychology*: Vol. 24 (pp. 160-193). Routledge.
- Estrada, F., Bäckman, O., & Nilsson, A. (2016). The darker side of equality? The declining gender gap in crime: Historical trends and an enhanced analysis of staggered birth cohorts. *British Journal of Criminology*, 56(6), 1272-1290. <https://doi.org/10.1093/bjc/azv114>
- Eteng, M. E., Abang, K. B., Uchebue, H. O., & Ntamu, B. A. (2021). Social media involvement level and students' deviant behaviours in Nigerian Universities. *European Journal of Social Sciences*, 62(4), 151-159.
- Fitch, C. H. (2014). *Shaming, criminal offending, and conformity: The role of gender processes*. Kent State University.
- Fitch, C. H., & Nazaretian, Z. (2019). Examining gender differences in reintegrative shaming theory: the role of shame acknowledgment. *Crime, Law and Social Change*, 72(5), 527-546. <https://doi.org/10.1007/s10611-019-09835-8>
- Fitch, C. H., Nazaretian, Z., & Himmel, D. (2018). Exploring the efficacy of reintegrative shaming for non predatory offending. *Criminal Behaviour and Mental Health*, 28(4), 361-368. <https://doi.org/10.1002/cbm.2072>
- Gálnander, R. (2020). 'Shark in the Fish Tank': Secrets and Stigma in Relational Desistance from Crime(*The British Journal of Criminology*, 60(5), 1302-1319. <https://doi.org/10.1093/bjc/azaa015>
- Gholami, H. (2008). Shame and prevention of recidivism. *Crime Prevention Studies*, 4(10), 51-85. (In Persian)
- Hajidehabadi, M. A. & Karimi, A. (2021). "Shame and Crime Prevention: From the Perspective of Criminology and Islamic Ethics" *Quarterly Ethical Research Association for Islamic Thought*, 11(3), 125-146. (In Persian)

- Han, Y., Kim, H., & Lee, D. (2016). Application of social control theory to examine parent, teacher, and close friend attachment and substance use initiation among Korean Youth. *School Psychology International*, 37(4), 340-358. <https://doi.org/10.1177/0143034316641727>
- Hassani, M. R. (2015). "Reintegrative Shaming and Delinquency, A Sociological Analysis of Braithwaite's Reintegrative Shaming Theory in the Family Context". PhD Thesis. Faculty of Humanities and Social Sciences. University of Mazandaran. (In Persian)
- Hodgson, J. (2022). *Restorative Justice, Shame and Stigma: Compounding Structural Inequalities in Relation to Gender*. In *Gender, Power and Restorative Justice* (pp. 107-144). Palgrave Macmillan, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-90827-0_5
- Honkatukia, P., & Keskinen, S. (2018). The social control of young women's clothing and bodies: A perspective of differences on racialization and sexualization. *Ethnicities*, 18(1), 142-161. <https://doi.org/10.1177/1468796817701773>
- Ievins, A. (2022, February). Power, shame and social relations in prisons for men convicted of sex offences. *Institute of Criminology*. <https://doi.org/10.17863/CAM.81467>
- Isom Scott, D. A., & Mikell, T. (2019). Gender and general strain theory: investigating the impact of gender socialization on young women's criminal outcomes. *Journal of Crime and Justice*, 42(4), 393-413. <https://doi.org/10.1080/0735648X.2018.1559754>
- Lindsey, L. L. (2020). *Gender: Sociological Perspectives*. Routledge.
- Lory, G. (2018). *The Role of Shame: A Creative Look at Justice*. Georgia Southern University.
- Losoncz, I., & Tyson, G. (2007). Parental shaming and adolescent delinquency: a partial test of reintegrative shaming theory. *The Australian and New Zealand Journal of Criminology*, 40, 161-178. <https://doi.org/10.1375/acri.40.2.161>
- Mallicoat, S. L. (2022). *Women, gender, and crime: Core concepts*. Sage Publications.
- Murphy, K., & Harris, N. (2007). Shaming, shame and recidivism: A test of reintegrative shaming theory in the white-collar crime context. *The British Journal of Criminology*, 47(6), 900-917. <https://doi.org/10.1093/bjc/azm037>
- Murphy, K., & Helmer, I. (2013). Testing the importance of forgiveness for reducing repeat offending. *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, 46(1), 138-156. <https://doi.org/10.1177/0004865812470121>
- Pontzer, D. (2010). A theoretical test of bullying behavior: Parenting, personality, and the bully/victim relationship. *Journal of Family Violence*, 25(3), 259-273. <https://doi.org/10.1007/s10896-009-9289-5>
- Rebellion, C. J., Piquero, N. L., Piquero, A. R., & Tibbetts, S. G. (2010). Anticipated shaming and criminal offending. *Journal of Criminal Justice*, 38(5), 988-997. <https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2010.06.016>
- Rutter, N., & Barr, U. (2021). Being a 'good woman': Stigma, relationships and desistance. *Probation Journal*, 68(2), 166-185. <https://doi.org/10.1177/02645505211010336>
- Schaible, L. M., & Hughes, L. A. (2011). Crime, shame, reintegration, and cross national homicide: A partial test of reintegrative shaming theory. *The Sociological Quarterly*, 52(1), 104-131. <https://doi.org/10.1111/j.1533-8525.2010.01193.x>
- Sedighian-Bidgoli, F. & Lashgari, M. (2017). "Systematic identification and review of social issues of student life in Iran". *Research and Planning in Higher Education*, 23(3), 115-138. (In Persian)
- Shadmanfaat, S. M., Choi, J., Kabiri, S., & Yun, I. (2020). Assessing the links between parenting practices, moral emotions, and cyberbullying perpetrations among a sample of Iranian sports fans. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 64(16), 1674-1695. <https://doi.org/10.1177/0306624X20923252>
- Stuewig, J., Tangney, J. P., Heigel, C., Harty, L., & McCloskey, L. (2010). Shaming, blaming, and maiming: Functional links among the moral emotions, externalization of blame, and aggression. *Journal of Research in Personality*, 44(1), 91-102. <https://doi.org/10.1016/j.jrp.2009.12.005>

- Svensson, R. (2004). Shame as a consequence of the parent-child relationship: A study of gender differences in juvenile delinquency. *European Journal of Criminology*, 1(4), 477-504. <https://doi.org/10.1177/1477370804045692>
- Svensson, R., Weerman, F. M., Pauwels, L. J., Bruinsma, G. J., & Bernasco, W. (2013). Moral emotions and offending: Do feelings of anticipated shame and guilt mediate the effect of socialization on offending? *European Journal of Criminology*, 10(1), 22-39. <https://doi.org/10.1177/1477370812454393>
- Tittle, C. R., Bratton, J., & Gertz, M. G. (2003). A test of a micro-level application of shaming theory. *Social Problems*, 50(4), 592-617. <https://doi.org/10.1525/sp.2003.50.4.592>
- Zand-Aqtaei, F.; Ghorbanzadeh, M. & Gharaili, M. B. (2019). "The Theory of Shame in Restorative Justice from the Perspective of the Quran". *Quran and Science*, 13(25), 181-206. (In Persian)
- Zhang, L., & Zhang, S. (2004). Reintegrative shaming and predatory delinquency. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 41(4), 433-453. <https://doi.org/10.1177/0022427803262077>



پیوست ۱. نحوه سنجش متغیر شرمساری

متغیر	گویه
شرمساری	خانواده‌ام طوری رفتار می‌کنند که من از انجام خلاف خود احساس شرمندگی و پشیمانی می‌کنم (علی‌وردی‌نیا و حسنی، ۱۳۹۴: ۳۶). خانواده‌ام به شیوه‌های مختلف با من برخورد و تنبیه می‌کنند (علی‌وردی‌نیا و حسنی، ۱۳۹۴: ۳۶). استادانم تذکر می‌دهند و ناراحتی خود را از آنچه انجام داده‌ام نشان می‌دهند (علی‌وردی‌نیا و حسنی، ۱۳۹۴: ۳۶). استادانم از رفتار من ناامید می‌شوند (لسونگز و تاپسون، ۲۰۰۷: ۱۶۹). دوستانم سعی می‌کنند مرا مجبور به جبران اشتباهم کنند (لسونگز و تاپسون، ۲۰۰۷: ۱۶۹).

پیوست ۲. نحوه سنجش متغیر بازپذیری

متغیر	ابعاد	گویه‌ها
بازپذیری	بخشش	خانواده‌ام بعد از مدتی مرا می‌بخشند (علی‌وردی‌نیا و حسنی، ۱۳۹۴: ۳۶). خانواده‌ام بی‌گذشت هستند و این برایم آزاردهنده است (شاییل و هاگز، ۲۰۱۱: ۱۱۰).
	سرزنش رفتار همراه با احترام به فرد	استادانم معتقدند من دانشجوی خوبی هستم و دوستم دارم، اما مرا مسئول رفتار اشتباهم می‌دانند و از من می‌خواهند که هرگز دوباره آن را انجام ندهم (احمد و بریت‌ویت، ۲۰۰۵: ۳۰۶). استادانم ضمن انتقاد از رفتارم، هنوز مرا دانشجوی خوبی برای خود می‌دانند (محقق ساخته). دوستانم تنها می‌گذارند و ضمن اینکه می‌گویند کارم اشتباه بوده، برای جبران آن با من همفکری می‌کنند (محقق ساخته).
	تعامل همراه با تأیید	دوستانم درمورد خلاقی که انجام داده‌ام، صمیمانه با من صحبت می‌کنند (علی‌وردی‌نیا و حسنی، ۱۳۹۴: ۳۶).
	واکنش همراه با احترام	خانواده‌ام به‌گونه‌ای با من رفتار می‌کنند که همچنان چتر حمایتشان را بالای سرم حس می‌کنم (ژانگ و ژانگ، ۲۰۰۴: ۴۴۱). دوستانم مثل قبل با من برخورد می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که احساس می‌کنم هنوز هم به من اعتماد دارند (علی‌وردی‌نیا و حسنی، ۱۳۹۴: ۳۶).

پیوست ۳. نحوه سنجش متغیر انگ‌زنی

متغیر	گویه
انگ‌زنی	خانواده‌ام مرا آدم مشکل‌سازی می‌دانند.
	خانواده‌ام معتقدند من زمینه کشیده‌شدن به‌سمت هر خلاقی را دارم.
	اکثر استادانم مرا عامل بی‌نظمی در کلاس می‌دانند.
	اکثر استادانم معتقدند من اهل مطالعه‌ام.
	دوستانم مرا آدم سودجویی می‌دانند.
	دوستانم معتقدند من آدم بی‌خیالی هستم.
	من اعتقاد زیادی به خودم دارم.
	دیگران برای عقابدم ارزش قائل‌اند.
	من به وضعیت تحصیلی‌ام در دانشگاه افتخار می‌کنم.
	من می‌توانم به‌خوبی با دیگران رقابت کنم.
	من همیشه خودم را آدم قوی‌ای می‌دانم.
من کنترل زیادی روی خودم دارم.	

پیوست ۴. نحوه سنجش متغیر به هم پیوستگی

متغیر	ابعاد	گویه
به هم پیوستگی	پیوستگی به حداقل یکی از اعضای خانواده	<p>هنگامی که مشکلی دارم، می توانم درباره آن با خانواده ام صحبت کنم (علیوردی نیا، ۱۳۸۸: ۳۸).</p> <p>از زندگی با خانواده لذت می برم (علیوردی نیا، ۱۳۸۸: ۳۸).</p> <p>خاطرات خوشی از بودن با خانواده ام دارم (علیوردی نیا، ۱۳۸۸: ۳۸).</p> <p>در خانواده ام احساس تنهایی می کنم (علیوردی نیا، ۱۳۸۸: ۳۸).</p> <p>هنگامی که از خانه بیرون می روم، خانواده ام می دانند با چه کسانی معاشرت دارم (همان).</p> <p>اغلب اوقات افکار و احساساتم را به راحتی با خانواده ام در میان می گذارم (علیوردی نیا و حسنی، ۱۳۹۴: ۳۶).</p> <p>در بیشتر کارها و تصمیمات خود، نظر خانواده ام را جویا می شوم (علیوردی نیا و حسنی، ۱۳۹۴: ۳۶).</p> <p>من و خانواده ام سعی می کنیم زمان زیادی را با هم بگذرانیم (هان و همکاران، ۲۰۱۶: ۳۴۶).</p> <p>همیشه با خانواده ام با عشق و محبت رفتار می کنم (هان و همکاران، ۲۰۱۶: ۳۴۶).</p>
	پیوستگی به استادان و دانشگاه	<p>احساس می کنم با استادانم رابطه دوستانه ای دارم (محقق ساخته).</p> <p>می توانم در مورد تمام مشکلات و نگرانی هایم بدون هیچ گونه قیدبندی با استادانم صحبت کنم (هان و همکاران، ۲۰۱۶: ۳۴۶).</p> <p>با استادانم محبت آمیز رفتار می کنم (هان و همکاران، ۲۰۱۶: ۳۴۶).</p> <p>به دانشگاهم تعلق خاطر و حس خوبی دارم (محقق ساخته).</p>

پیوست ۵. نحوه سنجش متغیر پذیرش شرم

متغیر	گویه
پذیرش شرم	<p>از خودم خجالت می کشم و شرمنده می شوم (احمد و بریثویت، ۲۰۰۵: ۳۰۷).</p> <p>احساس دستپاچگی می کنم (مورفی و هلمر، ۲۰۱۳: ۱۴۷).</p> <p>خودم را به خاطر آنچه رخ داده سرزنش می کنم (احمد و بریثویت، ۲۰۰۵: ۳۰۷).</p> <p>احساس می کنم کاری که انجام داده ام اشتباه بوده است (مورفی و هریس، ۲۰۰۷: ۹۰۷).</p> <p>حس می کنم برای رفع و رجوع این اتفاق باید کاری بکنم (احمد و بریثویت، ۲۰۰۵: ۳۰۷).</p> <p>سعی می کنم از دلشان درآورم (محقق ساخته).</p>

پیوست ۶. نحوه سنجش متغیر جابه جایی شرم

متغیر	مؤلفه ها	گویه
جابه جایی شرم	بیرونی ساختن سرزنش	<p>فکر می کنم تقصیر بقیه است که این اتفاق افتاده (احمد و بریثویت، ۲۰۰۵: ۳۰۷).</p> <p>فکر می کنم با من ناعادلانه رفتار شده و این سبب ناراحتی ام می شود (مورفی و هلمر، ۲۰۱۳: ۱۴۷).</p>
	احساس عصبانیت	<p>اگر چنین شود اعصابم خرد می شود (محقق ساخته).</p>
	خشم تلافی جویانه	<p>دلیم می خواهد ناراحتی ام را از این ماجرا سر بقیه خالی کنم (احمد و بریثویت، ۲۰۰۵: ۳۰۷).</p> <p>دلیم می خواهد با مسببان این اتفاق تسویه حساب کنم (مورفی و هریس، ۲۰۰۷: ۹۰۷).</p>
	خشم جابه جاشده	<p>دلیم می خواهد همه چیز را بشکنم و پرتاب کنم (احمد و بریثویت، ۲۰۰۵: ۳۰۷).</p>

پیوست ۷. نحوه سنجش متغیر درونی‌سازی شرم

متغیر	گویه‌ها
درونی‌سازی شرم	حتی اگر کار اشتباهی هم انجام نداده باشم، باز حس می‌کنم مقصرم (محقق ساخته). در مقایسه با دیگران احساس حقارت یا بی‌کفایتی می‌کنم. حس می‌کنم اگر بخواهم فعالیت مشترکی با دیگران داشته باشم، آنان مرا طرد می‌کنند (محقق ساخته). فکر می‌کنم نباید با دیگران روبه‌رو شوم (محقق ساخته). از نحوه رفتار خود ناامید می‌شوم. از خود منجر می‌شوم.

منبع: پوتنر، ۲۰۱۰

پیوست ۸. نحوه سنجش متغیر دوستان منحرف

متغیر	گویه	تعداد دوستان	میزان صمیمیت			
			خیلی کم	کم	تا حدودی زیاد	خیلی زیاد
دوستان منحرف	دوستانی که الکل مصرف می‌کنند.					
	دوستانی که سیگار یا قلیان مصرف می‌کنند.					
	دوستانی که اهل خشونت و قلدری هستند.					
	دوستانی که در انجام تحقیقات و پروژه‌های علمی خود تقلب می‌کنند.					
	دوستانی که در امتحاناتشان تقلب می‌کنند.					
	دوستانی که روابط جنسی (بدون ازدواج) با جنس مخالف خود دارند.					
	دوستانی که روابط جنسی با همجنس خود دارند.					

منبع: حسنی، ۱۳۹۴

پیوست ۹. نحوه سنجش متغیر پایبندی به ارزش‌های اخلاقی

متغیر	معرف	گویه‌ها
پایبندی به ارزش‌های اخلاقی	تقلب امتحانی	تقلب در امتحان، هیچ اشکالی ندارد (بانو و همکاران، ۲۰۱۲).
	تمسخر	مسخره کردن، شایعه‌پراکنی و اذیت و آزار دانش‌آموزان، رفتار پسندیده‌ای است (اسونسون، ۲۰۱۳).
	مصرف سیگار و الکل	مصرف سیگار یا مشروبات الکلی، جزو کارهای خوب و پسندیده است (اسونسون، ۲۰۱۳).
	زدی کردن	برداشتن اشیاء و لوازم همکلاسی‌ها زشت و غیراخلاقی است (اسونسون، ۲۰۱۳).
	وندالیسم	نوشتن و نقاشی روی در و دیوار یا میز و صندلی مدرسه، کار درستی است (اسونسون، ۲۰۱۳).
	مصرف مواد	مصرف مواد مخدر یا الکل، بسیار کار خوبی است (اسونسون، ۲۰۱۳).
	دیدن فیلم‌های غیرمجاز	تماشای فیلم‌های غیرمجاز، کاری زشت و غیراخلاقی است.

منبع: علیوردی‌نیا و حسنی، ۱۳۹۴

پیوست ۱۰. نحوه سنجش متغیر رفتار انحرافی^۱

بعد	گویه
مصرف مواد و انحرافات جنسی	سیگار یا قلیان کشیده‌ام.
	موادمخدر (تریاک، هروئین، حشیش و...) یا روان‌گردان (اکس، شیشه، کراک و...) مصرف کرده‌ام.
	مشروبات الکلی (شراب، آبجو، ویسکی، ودکا و...) مصرف کرده‌ام.
	مواد توهم‌زا (اکستازی، حشیش، علف یا گل) مصرف کرده‌ام.
وندالیسم و سرقت	رابطه جنسی (بدون ازدواج) با جنس مخالف داشته‌ام.
	رابطه جنسی با همجنس خود داشته‌ام.
	عمداً به وسایل دانشگاه آسیب رسانده‌ام (پاره کردن پرده‌ها، شکستن صندلی‌ها و خراب کردن سیستم‌های کامپیوتری کلاس).
	به عمد روی دیوارهای کلاس، سرویس بهداشتی، صندلی‌های کلاس و... نوشته یا نقاشی کرده‌ام.
تقلب	در فضای سبز دانشگاه زباله ریخته‌ام.
	از وسیله یا خدماتی (مانند کامپیوتر در کافی‌نت، تاکسی و...) استفاده کرده‌ام و هزینه آن را بدون اطلاع و اجازه ناظر آن پرداخت نکرده‌ام.
	چیزی را بدون پرداخت پول از فروشگاه برداشته‌ام.
	بدون اجازه اطرافیانم، پول یا وسیله آن‌ها را برداشته‌ام.
تخلفات رایانه‌ای	در تحقیقات علمی و تکالیف کلاسی‌ام، مطالبی را از کتاب، مقاله و سایت‌های اینترنتی استفاده کرده‌ام، ولی به آن رفرنس نداده‌ام.
	برای پاسخ به سوالات امتحانی به برگه بغل دستی‌ام نگاه کرده‌ام یا از شخص دیگری جواب‌ها را پرسیده‌ام.
	سر جلسه امتحان از روش‌هایی مثل همراه داشتن جواب‌ها در برگه کاغذ، نوشتن جواب سوالات امتحانی روی دست، همراه داشتن هندزفری و موبایل برای نوشتن جواب سوالات، عوض کردن برگه امتحان و... استفاده کرده‌ام.
	تکالیف درسی را که باید حتماً به صورت انفرادی انجام شود، به صورت جمعی انجام داده‌ام.
قلدری	تکالیف درسی نوشته شده توسط دانشجوی دیگری را برای خودم کپی کرده‌ام.
	برای گرفتن نتیجه مورد نظر، داده‌ها یا نتایج یک تحقیق یا یک پروژه را دستکاری کرده‌ام.
	اطلاعات (داده، فیلم و عکس) شخصی و محرمانه دیگران را بدون آگاهی آن‌ها دیده‌ام.
	در فضای مجازی در مورد سن، جنس و سایر ویژگی‌های شخصی‌ام به دیگران، اطلاعات نادرست داده‌ام.
قلدری	فیلم یا عکس‌های غیراخلاقی را در اختیار دیگران قرار داده‌ام.
	از نام کاربری و رمز عبور دیگران بدون اجازه آن‌ها استفاده کرده‌ام.
	با هویت دیگران و بدون آگاهی آنان، صفحه شخصی (در فیس‌بوک یا دیگر فضاهای مجازی) ایجاد کرده‌ام.
	اقدام به شکستن قفل نرم‌افزار یا (کرک کردن) کرده‌ام.
قلدری	به اطرافیانم فحاشی کرده‌ام.
	عمداً دیگران را مسخره کرده‌ام.
	کسی یا کسانی را به کنک‌زدن تهدید کرده‌ام.
	کاری کرده‌ام تا کسانی دیگر در جمع ضایع شوند.
قلدری	عمداً دانشجویان دیگر را طرد کرده‌ام و آن‌ها را از گروه دوستان (واقعی یا مجازی) بیرون انداخته‌ام.
	با هم‌دانشگاهی‌هایم درگیری فیزیکی داشته‌ام.

۱. سنجش متغیر رفتارهای انحرافی مبتنی بر تحقیقات پیشین (علیوردی‌نیا و یونس، ۱۳۹۳؛ علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳؛ علیوردی‌نیا و سهرابی، ۱۳۹۴) است.